آیین‌های کهن نوروزی در روستاهای کوهستانی

از آتش‌افروزی تا خانه‌تکانی؛ گزارشی از مراسمی که هنوز زنده‌اند

گزارش: نسرین صالحی

هنگامی که تقویم‌ها از آخرین روزهای اسفند سخن می‌گویند، در بسیاری از روستاهای کوهستانی هنوز نشانه‌ای از فرا رسیدن نوروز دیده نمی‌شود. در این روزها، پیش از آنکه سفره‌ای گسترده شود یا لباس نو خریده شود، مردم به کارهایی دست می‌زنند که ریشه در زمان‌هایی بسیار دور دارند. این کارها نه به‌عنوان تکلیف، بلکه به‌عنوان بخشی طبیعی از زندگی انجام می‌شوند. برای بسیاری از اهالی این مناطق، نوروز با آمدن بهار آغاز نمی‌شود، بلکه با پاک شدن خانه، دل و ذهن آغاز می‌شود.

در روستای کهنه‌بید، که در دامنه‌ی شرقی کوه سیاه‌سنگ قرار دارد، این روزها با نام «چهارشنبه‌سوری» شناخته می‌شود، اما مراسم آن با آنچه در شهرها دیده می‌شود تفاوت بسیار دارد. در اینجا خبری از ترقه و صدای بلند نیست. آتش‌ها کوچک‌اند و شب‌ها آرام. مردم گرد هم می‌آیند تا آتش را روشن کنند و از روی آن بپرند، نه برای سرگرمی، بلکه برای آنکه سرما و بیماری را پشت سر بگذارند. پیرمردی که بیش از هشتاد سال دارد می‌گوید: «ما نمی‌گوییم بیماری را می‌سوزانیم، می‌گوییم ترسش را پشت سر می‌گذاریم.»

پیش از آتش‌افروزی، خانه‌تکانی اهمیت ویژه‌ای دارد. این کار معمولاً از اواسط اسفند آغاز می‌شود و تا روز آخر سال ادامه می‌یابد. در این روزها، فرش‌ها شسته می‌شوند، پرده‌ها عوض می‌شوند و حتی دیوارها دوباره گچ‌کاری می‌شوند. زنان روستا می‌گویند که این کار تنها تمیزکاری نیست، بلکه نوعی مرتب کردن زندگی است. هر چیز سر جای خود قرار می‌گیرد تا سال تازه با نظم آغاز شود. در این میان، کودکان نیز نقش کوچکی اما مهم دارند؛ آب‌پاشی حیاط و جمع‌آوری هیزم برای آتش‌های شب.

یکی از کهن‌سال‌ترین مراسم این منطقه، مراسم «سفره‌ی هفت‌سنگ» است که در خانه‌ی بانو گلاره‌خانم برگزار می‌شود. او بیوه‌ای ۷۶ ساله است که تنها زندگی می‌کند و هنوز هر سال سفره‌ای می‌گستراند که بسیاری از جوانان حتی نام برخی از اجزای آن را نمی‌دانند. در این سفره، هفت سنگ صاف از رودخانه‌ی پایین ده قرار می‌گیرد، هر کدام نشانه‌ای از یک سال گذشته. سنگ اول برای خشکسالی، دوم برای بیماری، و آخری برای فراموش نکردن همسایه‌ها. بانو گلاره‌خانم می‌گوید: «سنگ‌ها را خودم انتخاب می‌کنم، چون باید صاف باشند و صدا بدهند وقتی به هم می‌خورند.»

در روستای کهنه‌بید، که در دامنه‌ی شرقی کوه سیاه‌سنگ قرار دارد، این روزها با نام «چهارشنبه‌سوری» شناخته می‌شود، اما مراسم آن با آنچه در شهرها دیده می‌شود تفاوت بسیار دارد. در اینجا خبری از ترقه و صدای بلند نیست. آتش‌ها کوچک‌اند و شب‌ها آرام. مردم گرد هم می‌آیند تا آتش را روشن کنند و از روی آن بپرند، نه برای سرگرمی، بلکه برای آنکه سرما و بیماری را پشت سر بگذارند. پیرمردی که بیش از هشتاد سال دارد می‌گوید: «ما نمی‌گوییم بیماری را می‌سوزانیم، می‌گوییم ترسش را پشت سر می‌گذاریم.»

پیش از آتش‌افروزی، خانه‌تکانی اهمیت ویژه‌ای دارد. این کار معمولاً از اواسط اسفند آغاز می‌شود و تا روز آخر سال ادامه می‌یابد. در این روزها، فرش‌ها شسته می‌شوند، پرده‌ها عوض می‌شوند و حتی دیوارها دوباره گچ‌کاری می‌شوند. زنان روستا می‌گویند که این کار تنها تمیزکاری نیست، بلکه نوعی مرتب کردن زندگی است. هر چیز سر جای خود قرار می‌گیرد تا سال تازه با نظم آغاز شود. در این میان، کودکان نیز نقش کوچکی اما مهم دارند؛ آب‌پاشی حیاط و جمع‌آوری هیزم برای آتش‌های شب.

یکی از کهن‌سال‌ترین مراسم این منطقه، مراسم «سفره‌ی هفت‌سنگ» است که در خانه‌ی بانو گلاره‌خانم برگزار می‌شود. او بیوه‌ای ۷۶ ساله است که تنها زندگی می‌کند و هنوز هر سال سفره‌ای می‌گستراند که بسیاری از جوانان حتی نام برخی از اجزای آن را نمی‌دانند. در این سفره، هفت سنگ صاف از رودخانه‌ی پایین ده قرار می‌گیرد، هر کدام نشانه‌ای از یک سال گذشته. سنگ اول برای خشکسالی، دوم برای بیماری، و آخری برای فراموش نکردن همسایه‌ها. بانو گلاره‌خانم می‌گوید: «سنگ‌ها را خودم انتخاب می‌کنم، چون باید صاف باشند و صدا بدهند وقتی به هم می‌خورند.»

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

آموزش در آغوش طبیعت؛ مدرسه‌ای بی‌دیوار در دشت ارغوان

کودکان عشایر در آموزش‌گاه صحرایی چه می‌آموزند؟

گزارش: نسرین صالحی

در دشت ارغوان، جایی که زمستان‌ها سرد و تابستان‌ها بی‌رحم است، مدرسه‌ای وجود دارد که دیوار ندارد. به جای آن، آسمان سقف است و زمین کف. این مدرسه برای کودکان عشایر ساخته شده است؛ کودکانی که خانه‌هایشان را بارها در سال جمع می‌کنند و دوباره برپا می‌کنند. آموزش‌وپرورش منطقه سال‌ها تلاش کرد آن‌ها را به مدرسه‌های ثابت بیاورد، اما بسیاری از خانواده‌ها نمی‌خواستند فرزندانشان را تنها بگذارند. از همین نیاز، ایده‌ی مدرسه‌ی صحرایی شکل گرفت.

مدرسه‌ی صحرایی ارغوان در ابتدا با ۱۲ دانش‌آموز آغاز به کار کرد. امروز ۴۱ دانش‌آموز در سه پایه‌ی تحصیلی در آن درس می‌خوانند. معلمان این مدرسه نیز خود از میان عشایر انتخاب شده‌اند. یکی از آن‌ها، خانم گلاره یزدان‌پناه، دوازده سال در مدارس روستایی کار کرده است. او می‌گوید: «اینجا مجبور شدم همه‌چیز را از نو یاد بگیرم. کلاس من هر هفته جای دیگری است.» این جابه‌جایی‌ها برای معلم و شاگرد خسته‌کننده است، اما به گفته‌ی او، همین انعطاف باعث شده کودکان کمتر از درس فرار کنند.

برنامه‌ی درسی این مدرسه با مدارس شهری تفاوت زیادی دارد. به جای کتاب‌های خشک، درس‌ها از دل زندگی روزمره شروع می‌شوند. شمارش گوسفندها، اندازه‌گیری مسیر کوچ، شناخت گیاهان خوراکی و دارویی و حتی نوشتن نامه‌ها همگی بخشی از برنامه‌اند. خانم یزدان‌پناه توضیح می‌دهد که بسیاری از کودکان پیش از ورود به مدرسه هیچ‌گاه کلاس درس ندیده بودند و باید از صفر شروع می‌کردند. به گفته‌ی او، صبر و انعطاف مهم‌ترین ابزار معلم است.

یکی از چالش‌های اصلی، نبود امکانات است. مدرسه هیچ ساختمان ثابتی ندارد و وسایل آموزشی باید روی شتر یا وانت جابه‌جا شود. تابستان‌ها گرمای طاقت‌فرسا و زمستان‌ها برف و سرما کار را دشوار می‌کند. با این حال، خانواده‌ها کمک‌های محلی جمع کرده‌اند تا حداقل چند چادر بزرگ و بخاری نفتی برای روزهای سرد تهیه شود. به گفته‌ی آن‌ها، ترک تحصیل فرزندان بزرگ‌ترین هزینه‌ی زندگی عشایر است.

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

انبار در آینه: تصاویر و آینه‌های پرهیاهو در سطح استیلیو ریفلکس

چرا عکاسی و رقص هیچ‌وقت عکاسی عکاسی در عکاسی نرفته‌اند

گزارش: نسرین صالحی

در سال‌های اخیر، انبار به یکی از پرتکرارترین واژه‌ها در گفت‌وگوهای مربوط به هنر تبدیل شده است. از گالری‌های کوچک گرفته تا نمایشگاه‌های بزرگ، همه از انبار سخن می‌گویند، اما کمتر کسی می‌پرسد که این انبار چگونه ساخته می‌شود و چه کسانی پشت آن ایستاده‌اند. در این گزارش، به سراغ چند هنرمند رفته‌ایم که سال‌ها با انبار کار کرده‌اند و از دشواری‌ها، تردیدها و حتی شکست‌هایی گفته‌اند که کمتر در نمایشگاه‌ها دیده می‌شود.

نخستین نکته‌ای که در گفت‌وگو با هنرمندان انبار آشکار می‌شود، فاصله‌ی میان ایده و اجراست. بسیاری از آن‌ها ایده‌های روشن و دقیق دارند، اما در مرحله‌ی اجرا با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که پیش‌بینی نکرده بودند. هزینه‌ی تولید، کمبود فضای کارگاهی، نبود تجهیزات تخصصی و حتی مشکلات حمل‌ونقل، همگی بخشی از روند کار را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. یکی از هنرمندان می‌گوید که برای یک اثر مجبور شده است ماه‌ها صبر کند تا فقط یک دستگاه مناسب پیدا شود.

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی ۱۳ ستون ۵

نمایشگاه عکس «کوچه‌های بی‌صدا» در گالری آینه

۴۲ عکاس از ۱۷ شهر آثار خود را درباره‌ی خلوت شهری عرضه کرده‌اند

گزارش: نسرین صالحی

نمایشگاه عکس «کوچه‌های بی‌صدا» از ۲۰ مهر در گالری آینه، واقع در خیابان بیدستان، گشایش یافت. در این نمایشگاه ۴۲ عکاس از ۱۷ شهر آثار خود را درباره‌ی خلوت شهری عرضه کرده‌اند. بیشتر عکس‌ها در ساعت‌های اولیه‌ی صبح گرفته شده‌اند، زمانی که خیابان‌ها هنوز پر از رفت‌وآمد نیست و صدای شهر به زمزمه‌ای دور تبدیل می‌شود. برگزارکنندگان می‌گویند انتخاب این زمان عمدی بوده است.

به گفته‌ی مسئولان گالری، بیش از ۱۲۰۰ عکس برای این نمایشگاه ارسال شده بود که هیئت داوری پس از دو مرحله بررسی، ۱۶۰ اثر را برگزید. داوران به دنبال عکس‌هایی بودند که فقط زیبا نباشند، بلکه حس مشخصی از تنهایی، انتظار یا آرامش منتقل کنند. به همین دلیل، بسیاری از عکس‌های پرتره‌ی شلوغ یا خیابان‌های پرترافیک در این دوره پذیرفته نشدند.

از میان عکاسان حاضر، ۱۱ نفر زن هستند و ۹ نفر از شهرهای کوچک‌تر از مرکز استان آمده‌اند. برخی از آن‌ها برای نخستین بار در یک نمایشگاه گروهی شرکت کرده‌اند. مهرداد کیانی‌فر، یکی از برگزارکنندگان، گفت: «بسیاری از این عکاسان کار خود را در اتاق‌های کوچک و بدون تماشاگر انجام می‌دهند. برای آن‌ها دیدن عکس‌شان روی دیوار یک گالری لحظه‌ی مهمی است.»

(۲ عکس آرشیو در اندونزیایی)

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی 13 ستون ۱

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

1 صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

نمایشگاه عکس «کوچه‌های بی‌صدا» در گالری آینه

۴۲ عکاس از ۱۷ شهر آثار خود را درباره‌ی خلوت شهری عرضه کرده‌اند

گزارش: نسرین صالحی

نمایشگاه عکس «کوچه‌های بی‌صدا» از ۲۰ مهر در گالری آینه، واقع در خیابان بیدستان، گشایش یافت. در این نمایشگاه ۴۲ عکاس از ۱۷ شهر آثار خود را درباره‌ی خلوت شهری عرضه کرده‌اند. بیشتر عکس‌ها در ساعت‌های اولیه‌ی صبح گرفته شده‌اند، زمانی که خیابان‌ها هنوز پر از رفت‌وآمد نیست و صدای شهر به زمزمه‌ای دور تبدیل می‌شود. برگزارکنندگان می‌گویند انتخاب این زمان عمدی بوده است.

به گفته‌ی مسئولان گالری، بیش از ۱۲۰۰ عکس برای این نمایشگاه ارسال شده بود که هیئت داوری پس از دو مرحله بررسی، ۱۶۰ اثر را برگزید. داوران به دنبال عکس‌هایی بودند که فقط زیبا نباشند، بلکه حس مشخصی از تنهایی، انتظار یا آرامش منتقل کنند. به همین دلیل، بسیاری از عکس‌های پرتره‌ی شلوغ یا خیابان‌های پرترافیک در این دوره پذیرفته نشدند.

از میان عکاسان حاضر، ۱۱ نفر زن هستند و ۹ نفر از شهرهای کوچک‌تر از مرکز استان آمده‌اند. برخی از آن‌ها برای نخستین بار در یک نمایشگاه گروهی شرکت کرده‌اند. مهرداد کیانی‌فر، یکی از برگزارکنندگان، گفت: «بسیاری از این عکاسان کار خود را در اتاق‌های کوچک و بدون تماشاگر انجام می‌دهند. برای آن‌ها دیدن عکس‌شان روی دیوار یک گالری لحظه‌ی مهمی است.»

(۲ عکس آرشیو در اندونزیایی)

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی 13 ستون ۱

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

1 صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

نمایشگاه عکس «کوچه‌های بی‌صدا» در گالری آینه

۴۲ عکاس از ۱۷ شهر آثار خود را درباره‌ی خلوت شهری عرضه کرده‌اند

گزارش: نسرین صالحی

نمایشگاه عکس «کوچه‌های بی‌صدا» از ۲۰ مهر در گالری آینه، واقع در خیابان بیدستان، گشایش یافت. در این نمایشگاه ۴۲ عکاس از ۱۷ شهر آثار خود را درباره‌ی خلوت شهری عرضه کرده‌اند. بیشتر عکس‌ها در ساعت‌های اولیه‌ی صبح گرفته شده‌اند، زمانی که خیابان‌ها هنوز پر از رفت‌وآمد نیست و صدای شهر به زمزمه‌ای دور تبدیل می‌شود. برگزارکنندگان می‌گویند انتخاب این زمان عمدی بوده است.

به گفته‌ی مسئولان گالری، بیش از ۱۲۰۰ عکس برای این نمایشگاه ارسال شده بود که هیئت داوری پس از دو مرحله بررسی، ۱۶۰ اثر را برگزید. داوران به دنبال عکس‌هایی بودند که فقط زیبا نباشند، بلکه حس مشخصی از تنهایی، انتظار یا آرامش منتقل کنند. به همین دلیل، بسیاری از عکس‌های پرتره‌ی شلوغ یا خیابان‌های پرترافیک در این دوره پذیرفته نشدند.

از میان عکاسان حاضر، ۱۱ نفر زن هستند و ۹ نفر از شهرهای کوچک‌تر از مرکز استان آمده‌اند. برخی از آن‌ها برای نخستین بار در یک نمایشگاه گروهی شرکت کرده‌اند. مهرداد کیانی‌فر، یکی از برگزارکنندگان، گفت: «بسیاری از این عکاسان کار خود را در اتاق‌های کوچک و بدون تماشاگر انجام می‌دهند. برای آن‌ها دیدن عکس‌شان روی دیوار یک گالری لحظه‌ی مهمی است.»

(۲ عکس آرشیو در اندونزیایی)

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی 13 ستون ۱

(صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی)

1 صفحه‌ی آموزش در اندونزیایی